

مذاکرات صلح خاورمیانه یک گام به پیش، دو گام به پس

روند بسیار مشکل است. ولی می توان به مقابله یک ارزیابی اولیه گفت که برقراری تماس مستقیم و به رسمیت شناختن سازمان آزادیبخش فلسطین از سوی آمریکا و اسرائیل و در مقابل به رسمیت شناختن حق حیات برای دولت اسرائیل از سوی ساف، گامی است به پیش. ولی فراتر از این محدوده بسیار تنگ، آنچه که امروز مذاکرات صلح پیرامون آن برگزار می شود، به هیچوجه پاسخگوی خواست های برحق مردم ستم کشیده فلسطین در راه باز پس گرفتن سرزمین های اشغالی و ایجاد یک دولت مستقل فلسطینی نیست. ادامه در ص ۲

با امضاء قرارداد پیشنهادی صلح، و به رسمیت شناختن اسرائیل از سوی سازمان آزادیبخش فلسطین(ساف) و متقابلاً به رسمیت شناخته شدن ساف از سوی اسرائیل مذاکرات صلح خاورمیانه وارد مرحله جدیدی شد و موافقت نامه ای که در پی مذاکرات سری میان نمایندگان سازمان آزادیبخش فلسطین و دولت اسرائیل، به امضاء خواهد رسید، روند مذاکرات صلح در منطقه زا از بن بست چندین ساله خود خارج می کند. تاکنون جزئیات نسبتاً کمی از مذاکرات سری انجام گرفته میان دولت اسرائیل، سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف)، و دولت آمریکا انتشار یافته است. و بنابراین اظهار نظر همه جانبه پیرامون این

نامه مردم

ارکان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۴۱۰، دوره هشتم
سال نهم، ۲۳ شهریور ۱۳۷۲

آغاز سال نو تحصیلی : دردهای کهنه و مشکلات نوین

بسیاری از مدارس با اعلام شهریه های کلان عملی جلوی ورود میلیون ها دانش آموز به مراکز آموزشی کشور را گرفتند. بر اساس گزارش مجله "سروش" در سال گذشته بیش از یک میلیون و هشتصد هزارتن از کودکان واجب التعلیم به مدارس راه نیافتند. در بسیاری از مدارس که شهریه ورودی اعلام گردید، این رقم تا ۱۲۰,۰۰۰ تومان برای هر دانش آموز تعیین گردیده بود و این در حالی است که بر اساس آمار رسمی جمهوری اسلامی بیش از ۴۵٪ از جمعیت کشور در زیر خط فقر یعنی در زیر درآمد ۶۵,۰۰۰ هزار تومان در سال برای جمعیت شهری کشور و ۴۵,۰۰۰ تومان برای جمعیت روستایی کشور زندگی می کنند. جمهوری اسلامی با اتخاذ سیاست عوام فریبانه "سپردن کار مردم به مردم"، و با خصوصی کردن مدارس کشور، عملاً برنامه ای جز محروم کردن هرچه بیشتر فرزندان زحمتکشان از تحصیل و آموزش و تشدید عقب ماندگی و فقر ندارد.

با فرا رسیدن مهرماه، یازدیگر میلیون ها دانش آموز و دانشجو در سراسر کشور، با انبوهی از مشکلات، راهی کلاس های درس خواهند شد. در حالیکه حتی بر اساس گزارش های منتشره در روزنامه های مجاز جمهوری اسلامی، مشکلات سال های گذشته، از قبیل خصوصی شدن مدارس و آموزشگاههای کشور نبود فضای مناسب آموزشی، نبود کادر مجرب، و مشکل نوبتی بودن مدارس حل نشده است، امسال بر این مشکلات، با بالا رفتن سرسام آور قیمت ها، بدنبال تک برخی شدن برابری ارز، پشدت افزوده خواهد شد. بر اساس گزارش های مندرج در روزنامه های کشور، امسال بسیاری از مدارس به علت کمبود جا و امکانات ناچار خواهند شد به شکل سه، چهار و یا حتی پنج نوبتی تبدیل شوند. بر اساس آخرین آمار رسمی که از سوی جمهوری اسلامی پیرامون وضع دوره های مختلف آموزشی کشور انتشار یافته است (کتاب آمار ایران سال ۱۳۷۰) هم اکنون بیش از ۱۶,۰۱۷,۹۱۷ دانش آموز در کلیه دوره های تحصیلی وزارت آموزش و پرورش در شرایط فوق العاده دشوار و با حداقل امکانات ممکن مشغول به تحصیل هستند. اوضاع در بسیاری از استان های محروم کشور، مانند سیستان و بلوچستان، کردستان، ایلام، ... بسیار اسفناک تر از سایر نقاط کشور می باشد. بر اساس گزارش های روزنامه های مجاز کشور میلیون ها تن از دانش آموزان کشور می بایست در مدارس سه یا چهار نوبته ققط ۱/۵ روز در هفته تحصیل کنند. در سال گذشته با چراغ سبز سران جمهوری اسلامی

سرکوب مطبوعات، گامی در جهت تشدید اختناق

بر اساس گزارش درج شده در روزنامه "سلام" عباس عبدی، عضو شورای سردبیری این روزنامه به حکم دادسرای انقلاب اسلامی تهران برای انجام یک سری تحقیقات و ادای توضیحات، بازداشت شده است. بدنبال این خبر همچنین اعلام شد که موسوی خوئینی ها، مدیر مسئول روزنامه "سلام" نیز به دادگاه ویژه روحانیت احضار شده است و در حضور هیئت منصفه محاکمه خواهد شد. بر اساس همین گزارش ها احضار وی در پی شکایت جزایری (امام جمعه اهواز)، نجفی (وزیر آموزش و پرورش) و ناصر طبسی (فرزند واعظ طبسی) از خوئینی ها بوده است. روزنامه "ایران" در مورد این محاکمه از قول معاون وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نوشت: "حضور هیئت منصفه در محاکمه خوئینی ها بر اساس دستور سید علی خامنه ای انجام می گیرد". روزنامه "سلام" قبلاً خود در توضیح دستگیری، در مصاحبه ای با موسوی خوئینی ها علل عمده این یورش رژیم به "سلام" را چنین توضیح داده بود: "از نظر قانون مدیر مسئول در قبال مندرجات روزنامه مسئول است و از طرف دیگر جرایم مطبوعاتی ربطی به دادسرای انقلاب ندارد. همچنین بالاخره باید اعلام شود که شاکی چه کسی است. ادامه در ص ۲

در صفحات دیگر:

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی ص ۲

بازگشت مارکس ص ۸ و ۷

زنده باد آزادی، صلح و عدالت اجتماعی، طرد باد رژیم "ولایت فقیه"!

سرکوب مطبوعات، ...

البته "سلام" در این روزها یادداشت‌های اقتصادی در نقد سخنان اخیر آقای رئیس‌جمهور در نماز جمعه و اخبار بیماری آیت‌الله منتظری و تکذیب عیادت وزیر اطلاعات داشته است و اگر کسی در این موارد مترض بوده طبق قانون باید به دادسرای عمومی تهران شکایت کند...

بدنبال این مصاحبه، مقامات ایرانی ارتباط دستگیری عباس عیدی با کارهای مطبوعاتی وی را رد کردند. و روزنامه "جمهوری اسلامی" در توضیح این مسئله و از قول "یک مقام مطلع" نوشت: "این بازداشت ارتباطی با فعالیت‌های مطبوعاتی نداشته، بلکه صرفاً به دلیل ارتباط عباس عیدی با یک جریان سیاسی که در برخی اغتشاشات دست داشته صورت گرفته است."

پوروش رژیم به روزنامه "سلام" در پی ماه‌ها تهدید و با تشدید بحران سیاسی - اقتصادی رژیم همزمان می‌باشد. مخالفت ضمنی "سلام" با "انتخابات" فرمایشی رژیم و افشای آن، در کنار انتشار بسیاری از حقایق دردناک جامعه که رژیم تلاش در پوشاندن آن دارد و حملات افشاگرانه اخیر روزنامه "سلام" در پاسخگویی به ادعاهای سرپا دروغ رئیس‌جمهور محترم، از جمله علل عمده‌ای است که به پوروش اخیر رژیم منجر گردیده است. پوروشی که سال گذشته به قصد پاکسازی هرگونه مخالفت در درون و پیرامون حاکمیت با حذف جناح "رادیکال" از مجلس شروع شد، از آنجائیکه ثمرات لازم در خفه کردن هرگونه صدای مخالفت رسمی در درون جامعه را نداشت امروز در شکل دستگیری سردبیر روزنامه "سلام" و احضار مدیر مسئول آن وارد مرحله جدیدی می‌شود.

رژیم جمهوری اسلامی در ماه‌های اخیر نشان داده است که با تشدید بحران همه‌جانبه اجتماعی و اوجگیری ناراضی‌های عمومی توده‌ها که در اشکال مختلف، از برخوردهای خیابانی، تا اعتراضات دانشجویی، کارگری و بست نشستن دهقانان در شهرهای مختلف کشور بروز می‌کند، برای حفظ خود چاره‌ای جز تشدید جو سرکوب و خفقان ندارد. ما چندی پیش بدرستی در مورد چنین امکانی نوشتیم: "شکاف

عمیق در صفوف نیروهای مذهبی، که رهبری انقلاب را چهارده سال پیش بدست گرفتند، پایگاه اجتماعی رژیم را بسیار تضعیف کرده است و سرنیزه سرکوب تنها اتکای جدی ساختار کنونی برای ادامه حکومت است. ادامه رشد این شکاف در آینده می‌تواند به برخوردهای شدیدتر و حتی خونین رژیم با این گروه‌ها منجر گردد. حاکمیت کنونی نشان داده

حزب توده ایران اقدام خودسرانه، سرکوبگرانه و ضد دموکراتیک رژیم جمهوری اسلامی در دستگیری عباس عیدی، سردبیر روزنامه "سلام" را بشدت محکوم می‌کند و خواهان آزادی بدون قید و شرط اوست. به گمان ما دفاع از آزادی‌های دموکراتیک و از جمله دفاع از آزادی مطبوعات، و رای اینکه ما با نظرات عباس عیدی موافق و یا مخالف باشیم، وظیفه همه نیروهایی است که برای آزادی کشور از بند استبداد رژیم "ولایت فقیه" مبارزه می‌کنند. سرکوب دگراندیشان، چه مذهبی و چه غیر مذهبی، ویژگی رژیم جمهوری اسلامی بوده و هست و از خصلت فوق‌العاده ارتجاعی و واپسگرایی آن نشأت می‌گیرد. ارباب، سرکوب، شکنجه، اعدام و ترور، مبنای اصولی جمهوری اسلامی در برخورد با مخالفان خود را تشکیل می‌دهد.

... زمان آن فرا رسیده است که مرزهای طرفداری از آزادی و حمایت از رژیم سرکوب و ترور "ولایت فقیه" روشن شود. هیچ نیرویی چه مذهبی و چه غیر مذهبی نمی‌تواند از این وظیفه تاریخی طفره رود.

است که برای ادامه حیات خود حاضر است نزدیکترین دوستان و متحدان دیروزی خود را

بدون کوچکترین ناراحتی از دم تیغ بگذرانند... (تحلیل هیئت اجرایی کمیته مرکزی حزب توده ایران از اوضاع کشور، خردادماه ۱۳۷۲).

تصور اینکه رژیم جمهوری اسلامی برنامه مشابهی مانند مهدی هاشمی برای عباس عیدی تدارک دیده باشد، با توجه به سوابق و عملکرد جمهوری اسلامی دور از ذهن نیست. از آنجائیکه از آغاز دستگیری او تاکنون، هیچکس، حتی خانواده او اجازه نیافته اند با او ملاقات کنند، نگرانی‌ها در این زمینه بیشتر می‌شود. در همین هفته‌ها همچنین اعلام شد که مهدی نصیری، سردبیر روزنامه "گیهان" نیز بدنبال شکایت آیت‌الله یزدی به دادسرای انقلاب احضار شده و سپس با قید ضمانت آزاد گردیده است. در این زمینه لازم است توجه شود، که روزنامه "گیهان" در سال‌های اخیر همواره یکی از پروها قرص‌ترین طرفداران سرکوب مطبوعات، از جمله روزنامه "سلام" و بسیاری از مجلات دیگر که با مشکلات زیادی در ایران به چاپ می‌رسند، بوده است. و اکنون خود با کوچکترین انتقادی به رئیس قوه قضائیه در مورد عزل ۲ تن از مقامات قضایی به دادگاه احضار شده و بزودی محاکمه خواهد شد.

حزب توده ایران اقدام خودسرانه، سرکوبگرانه و ضد دموکراتیک رژیم جمهوری اسلامی در دستگیری عباس عیدی سردبیر روزنامه "سلام" را بشدت محکوم می‌کند و خواهان آزادی بدون قید و شرط اوست. به گمان ما دفاع از آزادی‌های دموکراتیک و از جمله دفاع از آزادی مطبوعات، و رای اینکه ما با نظرات عباس عیدی موافق و یا مخالف باشیم، وظیفه همه نیروهایی است که برای آزادی کشور از بند استبداد رژیم "ولایت فقیه" مبارزه می‌کنند. سرکوب دگراندیشان، چه مذهبی و چه غیر مذهبی، ویژگی رژیم جمهوری اسلامی بوده و هست و از خصلت فوق‌العاده ارتجاعی و واپسگرایی آن نشأت می‌گیرد. ارباب، سرکوب، شکنجه، اعدام و ترور، مبنای اصولی جمهوری اسلامی در برخورد با مخالفان خود را تشکیل می‌دهد. ما قبلاً گفته‌ایم و بار دیگر اعلام می‌کنیم، که تنها چاره مقابله با اعمال استبدادی و سرکوبگرانه حاکمیت کنونی مبارزه مشترک، وسیع و هماهنگ همه نیروهای مترقی و آزاد اندیش جامعه است. زمان آن فرا رسیده است که مرزهای طرفداری از آزادی و حمایت از رژیم سرکوب و ترور "ولایت فقیه" روشن شود. هیچ نیرویی چه مذهبی و چه غیر مذهبی نمی‌تواند از این وظیفه تاریخی طفره رود.

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

انتشار ویژه نامه‌هایی به مناسبت پنجمین سالگرد فاجعه ملی و پنجاه و دومین سالروز تأسیس حزب توده ایران؛ و - بررسی تماس‌های بین‌المللی حزب با احزاب برادر و چگونگی گسترش این تماس‌ها در کشور های مختلف.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
شهریور ماه ۱۳۷۲

تماس‌ها و چگونگی گسترش همه‌جانبه این ارتباطات و ایجاد زمینه‌های همکاری عینی میان نیروهای مترقی و آزادیخواه کشور؛

- بررسی کار سازمان‌های حزبی در خارج از کشور و ایجاد ساختاری برای هماهنگی هرچه بیشتر میان این سازمانها؛

- بررسی نظرات رسیده پیرامون آئین نامه اجرایی مربوط به "مقررات کار مخفی" اساسنامه حزب؛

- بررسی گزارش شمه مالی؛

- بررسی کار انتشارات حزب و برنامه ریزی برای

نشست نوبتی هیئت اجرایی کمیته مرکزی حزب توده ایران در مردادماه سال جاری برگزار گردید. در این نشست موضوعات زیر مورد بررسی قرار گرفت و تصمیمات ضرور اتخاذ شد؛

- تشدید بحران اقتصادی - اجتماعی کشور، اوجگیری تنش‌ها در درون و پیرامون حاکمیت جمهوری اسلامی و ضرورت گسترش فعالیت برای سازماندهی مبارزه در درون و بیرون از کشور؛

- تماس‌های رهبری حزب، در ماه‌های اخیر، با برخی از سازمان‌های مترقی اپوزیسیون، نتایج این

مذاکرات صلح در خاورمیانه ...

بسیاری از رهبران فلسطینی و از جمله گروه های مهمی در درون ساف مخالفت خود را با چگونگی این مذاکرات و توافق های پشت پرده اعلام داشته اند. آنچه مسلم است اینست که رهبری ساف و خصوصاً جناحی که یاسر عرفات نماینده آن است بدین نتیجه رسیده اند که در پرتو تغییرات جهانی و در نبود اتحاد شوروی به مثابه یار و پشتیبان مطمئن جنبش های رهایی بخش ملی چاره ای جز تسلیم در مقابل خواست های امپریالیسم آمریکا نیست. چنین برخورد تسلیم طلبانه ای به روشنی در مفاد توافق شده طی این مذاکرات به چشم می خورد. بر اساس توافق های انجام شده، اسرائیل به بخش هایی از سرزمین های اشغالی "خودمختاری" بسیار محدودی را اعطا خواهد کرد. این "خودمختاری" تا آنجا محدود است که نیروهای امنیتی اسرائیل همچنان مانند سابق به کنترل و یا بهتر بگوییم سرکوب جنبش آزادیخواهانه در این مناطق ادامه خواهند داد، و مسئله به رسمیت شناختن یک دولت مستقل فلسطینی به یک آینده دور و مهم واگذار گردیده است. پیرامون جزئیات این توافق ها در هفته های گذشته اخبار ضد و نقیضی در منابع مختلف فلسطینی و اسرائیلی انتشار یافته است. به عنوان نمونه بر اساس گزارش روزنامه عربی زبان "الحیات" نیل شعت، مشاور سیاسی یاسر عرفات پیرامون جزئیات مذاکرات صلح، از جمله اعلام کرد: توافق های حاصله درباره خودگردانی در منطقه غزه و اریحا، دال بر صرف نظر کردن فلسطینی ها از سایر مناطق اشغال شده نیست. مسئله خودگردانی غزه و اریحا تنها نخستین گام می باشد که در پایان می بایست طبق قطعنامه ۲۴۲ نه تنها به خودگردانی اداری، بلکه به استقلال کامل سیاسی و اقتصادی فلسطین منجر گردد.

از سوی دیگر رهبران نامداری از سازمان آزادیبخش فلسطین همچون محمود درویش، شاعر انقلابی و پر آوازه این کشور، و نایف حواقه، دبیر کل جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین بطور رسمی از رهبری ساف استعفا داده و اعلام کردند که بدلیل تحولات سازشکارانه در رهبری ساف دیگر قادر به ادامه فعالیت در این سازمان نیستند.

نایف حواقه در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد که اقدام انجام گرفته از سوی یاسر عرفات چیزی جز عدم پابندی به تصمیمات و منشور سازمان آزادیبخش فلسطین نیست. به نظر او اقدام یاسر عرفات تسلیم طلبی و سازش در مقابل تحکیمات آمریکا است و این اقدام ضد دموکراتیک و فرصت طلبانه منجر به تفرقه در صفوف ساف خواهد شد.

از مسایل مهمی که مخالفت بخش های مهمی از جنبش و مردم فلسطین را پیرامون روند این مذاکرات برانگیخته است، فراموش شدن بیش از ۳ میلیون فلسطینی مهاجر و بدون سرزمین است که در کشورهای مختلف جهان با دشواری زندگی می کنند. شفیق الحق، نماینده ساف در لبنان در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد که اسرائیل، ساف و دولت ایالات متحده می بایست به روشنی پیرامون سرنوشت بیش از ۳ میلیون مهاجر فلسطینی در چارچوب توافق های کنونی اعلام موضع کنند. رفیق الحریری، نخست وزیر لبنان نیز در سخنان مشابهی اعلام کرد، که مهاجران فلسطینی می بایست به

کشور خود بازگردند و ماندن آنها در این کشور ممکن نیست.

بر اساس گزارش خبرگزاری های جهان، نمایندگان ساف اکثر خواست های دولت اسرائیل را پذیرفته اند و این دولت اسرائیل است که از پذیرش برخی خواست های کلیدی مردم فلسطین بشدت خودداری می کند. حکم بلاوی، مشاور یاسر عرفات در تونس پیرامون این خواست ها از جمله گفت: دولت اسرائیل برنامه خودگردانی فلسطین را تصویب کرده است، ولی هیئت اجرایی ساف هنوز بر سر این موضوع به توافق نرسیده است. بر اساس همین گزارش مذاکره کنندگان فلسطینی در مقابل از اسرائیل خواهان تایید مواد زیر هستند:

* تغییر شرایط اورشلیم شرقی و اجازه حرکت به فلسطینی ها از سرزمین های اشغالی به این ناحیه؛

* بازگشت مهاجران فلسطینی که در پی جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۶۷ کشور خود را ترک کردند؛

* به رسمیت شناختن حق مردم فلسطین در برپایی یک دولت مستقل و رسیدن به یک توافق دائمی در این زمینه در پایان پنج سال.

انعکاس اخبار مذاکرات صلح در سرزمین های اشغالی دوگانه و متفاوت بوده است. از یک سو نیروهای تندروی مذهبی، نیروهای طرفدار جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین، و جبهه خلق برای آزادی فلسطین روند مذاکرات را محکوم کرده اند و از سوی دیگر طرفداران سازمان الفتح و یاسر عرفات از روند این مذاکرات حمایت خود را اعلام داشته اند.

در منطقه نیز اکثر کشورهای همسایه، از جمله مصر، اردن، کشورهای عربی منطقه خلیج فارس و سایر کشور های عربی در مجموع از روند مذاکرات، اگرچه با برخی نگرانی ها دفاع کرده اند. در این میان دولت سودان، و جمهوری اسلامی که از یک سیاست سکتاریستی در مورد جنبش خلق فلسطین پیروی می کنند، این مذاکرات را محکوم کرده اند.

آنچه که با توجه به مجموعه بالا می توان گفت این است که سیاست اعمال شده از سوی اسرائیل و آمریکا، در مجموع توانسته است با اتکا به ضعف و سازش طلبی بخشی از رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین و ایجاد تفرقه در صفوف این سازمان، بخش عمده ای از نظرات خود را به جنبش فلسطین دیکته کند. چنین روندی بیشک نخواهد توانست به یک صلح پایدار در منطقه بیانجامد. انقلاب مردم فلسطین و مبارزه قهرمانانه آنان علیه اشغالگران اسرائیلی و زورگویی امپریالیسم، به سرکردگی آمریکا ریشه های عمیقی در حیات اجتماعی مردم فلسطین داشته و دارد و چنین سازش های نیم بندی که نتواند به آرزوها و آرمان های اساسی آنان پیرامون رهایی از سرکوب، ترور و اختناق نیروهای اشغالگر و دستیابی به خواست برحقشان برای ایجاد یک دولت مستقل و آزاد فلسطینی پاسخ دهد، بیشک نخواهد توانست به زدوخوردها و تشنجات از یک سو و رشد نیروهای تندرو مذهبی فلسطینی از سوی دیگر پایان دهد. مخالفت نیروهای افراطی - صیونیستی اسرائیل با توجه به توازن نیروها در درون خود اسرائیل نیز آینده و سرنوشت صلح پایدار در منطقه را همچنان مبهم و نا روشن باقی می گذارد.

یادواره رفیق:

احمد

یگانه عظیمی

دوم مرداد ماه امسال رفیق احمد یگانه عظیمی در پاریس درگذشت.

رفیق احمد در سال ۱۳۰۱ در شهر کرمان تولد یافت. پس از پایان دوره دبیرستان وارد دانشکده افسری در رشته مهندسی گردید.

به علت داشتن آرمان عدالت جویانه و مترقی، رفیق احمد در سال ۱۳۲۷ وارد سازمان نظامی وابسته به حزب توده ایران شد و در حوزه زیر مسئولیت سرگرد شهید سروشیان بود شرکت می جست. پس از کشف سازمان نظامی، سرگرد یگانه عظیمی که از جوان ترین افسران ارشد بود از ایران بیرون آمد و پس از مدتی به عنوان پناهنده سیاسی به پراگ رفت.

در چکسلواکی دوران دانشکده فنی را در مدت کوتاهی با موفقیت به پایان رسانید و به گرفتن دکترا در رشته برق جریان قوی نایل گردید.

رفیق عظیمی مدتی در دانشگاه فنی پراگ به تدریس پرداخت و سپس به الجزایر رفت و طی بیش از دهسال اقامت در آن کشور، در سایه پیکار و فعالیت خود خدمات ارزنده ای انجام داد.

رفیق احمد پس از بازگشت به پراگ تا زمان بازنشسته شدن مجدداً در دانشکده فنی آن شهر به تدریس پرداخت. او برای دیدار با خویشان به پاریس رفته بود که بیماریش شدت یافت و منجر به مرگ او گردید.

رفیق فقید مدت چند سال مسئول کمیته حزبی در پراگ بود و کمک های ارزنده ای به رفقا و به حزب کرد.

زنده یاد رفیق احمد یگانه عظیمی تا پایان عمر به آرمان های مردمی و انسانی حزب توده ایران وفادار ماند.

"نامه مردم" در گذشت این رفیق گرانمایه را به خانواده او، دوستانش و رفقای حزبی تسلیم می گوید.

منوچهر متکی و ایرانیان خارج از کشور

بر اساس گزارش های منتشره در مطبوعات جمهوری اسلامی، در جریان برپایی سمینار کنسولی نمایندگی های ایران در خارج از کشور، اعلام شد کلیه کسانی که به دلیل خروج غیر قانونی از کشور، و اخذ پناهندگی و یا دریافت گذرنامه خارجی از یک کشور دیگر با مشکل دریافت گذرنامه روبرو هستند، می توانند با مراجعه به دفاتر نمایندگی ایران در کشورهای مختلف گذرنامه ایرانی دریافت کنند. منوچهر متکی، معاون وزیر امور خارجه در یک مصاحبه اختصاصی که در "کیهان هوایی" (۱۰ شهریور ماه) درج گردیده است پیرامون این خبر از جمله گفت: "باید بگویم که صدور گذرنامه برای یک ایرانی خارج از کشور، در واقع سند هویت اوست. اما در عین حال صدور گذرنامه به معنای تیره یک ایرانی از جرایم احتمالی - که مرتکب شده است - نیست. ما به هموطنان خود گذرنامه می دهیم تا معلوم شود که ایرانی اند. اما اگر فردی به طور غیر مجاز از کشور خارج شده، پس از بازگشت به میهن موظف است با مراجعه به محاکم قضایی، دلایل و مشکلات خود را توضیح دهد و نهایتاً در چارچوب قانون جرمه احتمالی را بپردازد...". بر اساس گفته های متکی از هنگام اعلام این خبر، دفاتر جمهوری اسلامی در کشورهای مختلف بیش از ۲۰۰۰ تقاضا دریافت داشته اند که به ۱۴۰۰ مورد آن پاسخ مثبت داده شده است. بر اساس گزارش "کیهان هوایی" موارد تقاضا بر اساس تفکیک شهرها به شرح زیر است: کپنهاگ ۲۳۶ مورد، اتاوا ۲۳۴ مورد، وین ۱۸۴ مورد، استکهلم ۱۱۴ مورد، اسلو ۱۰۰ مورد، لاهه ۸۴ مورد، پاریس ۶۵ مورد، منامه ۶۵ مورد، فرانکفورت ۶۱ مورد و برلین ۵۷ مورد. آقای متکی در این مصاحبه روشن نکرد که پشتوانه قانونی تصمیمات گرفته شده از سوی وزارت خارجه چیست. در کشوری که مقامات قضایی آن قوانین مدون کشور را مستصراً نقض می کنند و رهبران آن قانون اساسی را که خود به تصویب رسانده اند زیر پا می گذارند، چگونه می توان از ایرانیان خارج از کشور انتظار داشت که "دل به دریا زده" و خود را "تحویل مقامات قضایی" جمهوری اسلامی بدهند، مقاماتی که در ده سال گذشته بر خلاف قوانین مدون کشور و بر خلاف ابتدایی ترین حقوق انسانی، هزاران نفر را تنها به "جرم" دگراندیشی دستگیر، شکنجه و اعدام کرده اند، مقامات قضایی ای که بر اساس گزارشات سازمان ملل متحد و سایر سازمان های جهانی حقوق بشر یکی از سیاه ترین پرونده های جنایت، بکشتار و شکنجه را در جهان دارا هستند.

باز هم ترور

بر مزدوران امنیتی رژیم جمهوری اسلامی، بهرام آزادفر در ترکیه رساندند. بر اساس



همین گزارش ها آزادفر دوسال پیش به ترکیه رفته بود و احتمالاً از اعضای حزب دمکرات کردستان ایران بوده است. باید توجه داشت که در سال های اخیر مزدوران امنیتی رژیم جمهوری اسلامی در کشورهای همسایه، ترکیه و پاکستان بشدت فعالیت داشته اند، و دولت های هیچیک از این دو کشور واکنش جدی در محدود کردن این عملیات تروریستی از خود نشان نداده اند. جمهوری اسلامی در ماه های اخیر علاوه بر ترور ذکر شده به ترور یک روزنامه نگار مترقی ترک و همچنین دست داشتن در واقعه حمله و آتش سوزی و کشتار چندین نفر در جریان انتشار ترجمه ترکی کتاب "آیه های شیطانی"، توسط نویسنده نامدار ترک، عزیز نسین نیز متهم گردیده است.

طی سال های گذشته گزارشات زیادی پیرامون همکاری نیروهای امنیتی ترکیه و دولت جمهوری اسلامی برای سرکوب ترور و حتی ربودن مخالفان و بردن آنها به ایران انتشار یافته است که از سوی مقامات بین المللی، از جمله دفتر سازمان ملل متحد در ترکیه به آن بی توجهی شده است. شایان تذکر است که بر اساس گزارش های مطبوعات ایران، در هفته های اخیر، گروهی از نمایندگان اداره کل امنیت و نیروهای مرزی ترکیه برای شرکت در اجلاس امنیتی ایران و ترکیه وارد تهران شده اند.

احیای اوامری که ۱۴ قرن متروک مانده بود

هاشمی رفسنجانی طی سخنانی که در مراسم افتتاحیه سمینار "احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر" کرد از جمله یادآور شد: "من با تمام وجود امیدوارم این امر مهم الهی که ۱۴ قرن متروک مانده است در دوران جمهوری اسلامی احیا شود...". وی همچنین در این سخنان اضافه نمود که: "این فریضه یک اصل موکد اسلامی و عقلایی در جوامع بشری است".

البته مشخص نیست که دیدگاه رئیس جمهور از اصول "عقلایی" کدامند. اگر اعمال و کردار دستگاه رهبری و اداری جمهوری اسلامی ملاک ما برای تشخیص این مسئله باشد، آنوقت باید بگوئیم

که اعمال "عقلایی" که رفسنجانی به آنها اشاره می کند، که از جمله آزار و اذیت زنان و اعمال ضد انسانی مانند، "سنگسار" نمودن و "دست و پا" بردن انسان ها را شامل می شود، سالهاست که توسط جامعه بشری مردود و غیر انسانی تشخیص داده شده است و چنین اعمالی و دیدگاه هایی تنها می تواند از مغزهای متروک، پوسیده و منجمدی مانند سران رژیم تراوش یابد.

ایران و کمک ۵۰ میلیون دلاری به افغانستان

در پی دیدار حکمتیار، نخست وزیر افغانستان از ایران، در تهران اعلام شد که ایران یک اعتبار ۵۰ میلیون دلاری در اختیار افغانستان قرار داده است. بر اساس همین گزارش ها تصمیم مربوط به اعطای این اعتبار در جریان دیدار برهان الدین ربانی از ایران در اسفند ماه سال گذشته اتخاذ شده بود.

اعطای چنین کمکی به دولت افغانستان در حالی است، که میلیون ها شهروند ایرانی در فقر و فلاکت شدید به سر برده و بسیاری از پروژه های عمرانی کشور به دلیل نبود و یا کمبود بودجه به محاق تعطیل کشانده شده اند.

کمبود دارو در ایران

کمبود دارو در شهرهای کشور بیداد می کند. افزون بر این بر اساس اعتراف دکتر مرندی، وزیر بهداشت در پی تک ترخی شدن ارزهای خارجی، قیمت داروهای داخلی و خارجی به طور سرسام آوری افزایش یافته است. روزنامه "سلام" در گزارشی که در این زمینه انتشار داد، نوشت: روز گذشته یکی از معلولان جنگی دچار تشنج شد و در حالی که لباس های خود را پاره پاره می کرد، به حال بیهوشی دچار گشت. بر اساس گزارش روزنامه "سلام" در یادداشتی که در جیب او پیدا شد، نوشته شده بود: "چون دارویی برای بیماری خود پیدا نکرده به این وضع دچار شده است."

روزنامه "ابرار" نیز در مقاله ای که پیرامون کمبود دارو در کشور انتشار داد، از قول خواننده ای نوشت: "آیا این رواست که ۱۵۰ تن دارو از سوی دولت به کابل ارسال شود ولی مردم ایران برای یک کیسول همه داروخانه ها را زیر پا بگذارند."

دکتر مرندی در مصاحبه ای که در تهران برگزار کرد، اعلام کرد که دولت جمهوری اسلامی تدابیر ویژه ای برای بهبود این وضع اتخاذ کرده است. مسئله ای که وزیر بهداشت اصلاً به آن اشاره ای نکرد، اینست که به فرض دولت بتواند با اعطای اعتبار های ویژه و با ورود داروهای خارجی مسئله کمبود دارو را کمی تخفیف دهد، معلوم نیست که چگونه مردم قادر خواهند بود این داروها را بر اساس نرخ های برابری کنونی ریهال با ارزهای خارجی برای خود تهیه کنند.

هندوستان

۲۵۰,۰۰۰ کارگر صنایع فولاد هند در ۱۶ شهریور اعتصاب یک روزه ای را علیه خصوصی کردن یک کارخانه فولاد در برن پور واقع در بنگال غربی انجام دادند.

چهار روز قبل از آن یک میلیون کارمندان بانک ها و موسسات مالی هند، اعتصاب یک روزه ای را علیه سپردن صنایع به بخش خصوصی سازمان دادند. نکته جالب توجه در باره خبر بالا این است که در یک نمایش باشکوه اتحاد، همه گروه‌بندی های سیاسی منجمله حزب کنگره که در قدرت است، دست به دست هم داده اند که با طرح دولت مخالفت یک پارچه بشود.

آقای نیدهد، دبیر کل سازمان تریخوخواه "مرکز اتحادیه های کارگری هند" گفت: "هدف اصلی، اینست مطمئن شویم که به کمپانی های خصوصی اجازه داده نشود تا کارخانه برن پور را در دست خود بگیرند. ما نمی توانیم اجازه بدهیم که صنایع مادر و کلیدی به بخش خصوصی سپرده شود."

از زمان شروع روند سپردن صنایع هند به کمپانی های چند ملیتی و نیز هندی های ثروتمند، این اعتصاب اولین اقدام متحد توسط اتحادیه های کارگری علیه طرح خصوصی کردن بوده است. اتحادیه های کارگری منجمله کنگره اتحادیه های کارگران هند که با حزب حاکم در رابطه است با اصلاحات اقتصادی راست مخالفت کرده و به نخست وزیر اخطار کرده اند که او نمی تواند وفاداری کارگران را برای همیشه تضمین شده بداند.

کنگره اتحادیه های کارگری هند در دو سال گذشته دوبار تهدید به اعتصاب کرده است ولی هر دوبار در آخرین لحظه از انجام آن منصرف شده است.

چین

۵ شهریور حزب کمونیست چین تصمیم خود را مبنی بر جلوگیری از شرکت مسئولان حزب در بازار سهام اعلام نمود. آژانس خبری "سین خوا" گفت که این اقدام علیه فساد در حزب صورت گرفته است. یک هفته قبل از این بیانیه، کارزار سرتاسری ای در چین شروع شد که هدف آن جلوگیری از فساد مقامات رسمی حزب و دولت بوده و اصلاح اساسنامه در همین رابطه اعلام شده است. در اساسنامه جدید آمده است "هیچ یک از مقامات حزبی و دولتی اجازه ندارند که در تجارت شرکت کنند، کمپانی راه بیندازند و یا از قدرت خود برای پارتی بازی به نفع اطرافیان و یا دوستان خود از بنگاه های تجارتي استفاده نمایند."

کویت

اتحادیه کارکنان صنایع نفت و پتروشیمی، کمپانی های تدارک نیروی کار برای صنایع کویت را متهم کرده است که با کارگران بدرفتاری می کنند و خواستار یک حفاظت موثر برای کارگران کم درآمد، شده است.

در کویت صدها کمپانی نیروی کار، نیروی انسانی لازم برای گرداندن موسسات متعلق به دولت و بخصوص بخش وسیع نفت را با استخدام آن ها از کشورهای نظیر پاکستان، هند، کره و بتکلادش تهیه می کند. اتهام مزبور به دنبال اعتصاب یک روزه ای در همبستگی با کارگرانی که صدمات هندی و بتکلادشی هستند، صورت می گیرد.



آفریقای جنوبی

* ۸ شهریور ماه جاری اعلام شد که رفیق تابو مبیکی به سمت صدر ملی کنگره ملی آفریقا انتخاب شده است. در اعلام این خبر، نلسون ماندلا گفت مبیکی که مسئول پیشین شمه روابط بین المللی کنگره ملی آفریقا بوده و در طول ۲۸ سال زندگی خود در تمبید، نمایندگی کنگره ملی آفریقا را در شهرهای مختلف و منجمله لندن و نیویورک به عهده داشته است، اول شهریور ماه به این سمت انتخاب شده است. رفیق مبیکی جانشین اولیور تامبو، رهبر قبلی کنگره ملی آفریقا می شود.

رفیق مبیکی در ۱۸ ژوئن ۱۹۴۲ در ترانسکی به دنیا آمد. او فرزند گوان مبیکی یکی از اعضای قدیمی کنگره ملی آفریقا است که عضو حزب کمونیست بود. رفیق گوان مبیکی از سال ۱۹۹۰-۱۹۶۳ همراه نلسون ماندلا در زندان نژاد پرستان پرتوریا بود. تابو مبیکی جزو تیم مذاکره کنندگان اصلی در تماس های اولیه با دولت آفریقای جنوبی بود که منجر به قانونی اعلام شدن کنگره ملی آفریقا در ماه فوریه ۱۹۹۰ گردید.

* به گزارش بانک ذخایر آفریقای جنوبی، تقریباً نیمی از نیروی کار کشور بیکارند. بانک ذخایر در این گزارش اشاره می کند که ۴۶٪ نیروی کار یا بیکار بوده و یا در بخش "کارهای غیر رسمی" که فعالیت هایی با حقوق بسیار پایین مثل واکسن زدن و جارو زدن خیابان ها را در برمی گیرد، به کار مشغولند. این، اولین گزارش مستند و صحیح در مورد بیکاری و میزان آن در آفریقای جنوبی محسوب می شود. همین بانک چهار سال قبل بیکاری را ۳۹٪ گزارش داده بود.

سنگال

رخدادهای این کشور در غرب آفریقا، بار دیگر این حقیقت را ثابت کرد که کارمندان بخش عمومی و دولتی قربانی فشارهای صندوق بین المللی پول بر کشورهای جهان سوم هستند. دولت سنگال اخیراً جهت کاهش قرض های هنگفتش به صندوق بین المللی پول و بانک های کشورهای سرمایه داری تصمیم به بیکار نمودن ۱۳,۲۰۰ نفر از کارمندان دولت که در مجموع ۶۶,۰۰۰ نفر می باشند، گرفته است. و این امر به معنای بیکار نمودن یک باره یک پنجم نیروی کار شاغل در این بخش و در شرایط عدم یک سیستم تامین اجتماعی موثر، انداختن بخش قابل توجهی از مردم به دایره فقر و گرسنگی می باشد. بقیه کارمندان

و کارگران نیز از "سختی" های دولت اسپر "صندوق بین المللی" پول مصون نبوده اند و یک کاهش حقوق ۱۵ درصدی برای تمام آنان پیشنهاد و تصویب شده است. بانک جهانی چنین اقداماتی را "سجاسانه" خوانده است. اتحادیه های کارگری و احزاب سیاسی مخالفت قاطع خود را با این تراردها اعلام نموده اند.

اسپانیا

دو مرکز اتحادیه های کارگری اسپانیا که ارتباط نزدیک با حزب کمونیست اسپانیا دارند، متفقاً سیاست های مالی دولت سوسیال دمکرات را، مبنی بر منجمد ساختن دستمزدها در سال آینده، رد کردند. دولت همچنین مصمم است سطح دستمزدها را در سال های ۱۹۹۵-۱۹۹۶ پایین تر از سطح تورم نگاه دارد.

اتحادیه های کارگری در سال ۱۹۹۱ سیاست هایی مشابه با تصمیمات اخیر دولت را رد نمودند، ولی در سال های اخیر تعداد بیکاران به میزان ۲۲/۳٪ نیروی کار افزایش یافته است که منبع فشار فوق العاده ای به بودجه خدمات اجتماعی است. در حال حاضر مذاکراتی بین دولت و اتحادیه های کارگری در حال انجام است.

شرکت های نفتی غرب به

غارت روسیه ادامه می دهند

ولادیمیر مورداسف، مشاور کل وزارت سوخت و انرژی روسیه اظهار داشته است که اقدامات مشترک با شرکت های نفتی غرب پیشرفت روسیه را به مخاطره انداخته است. او در مذاکرات با موسسه تحقیقات انرژی کانادا متذکر شده است که شرکت های خارجی به مراتب بیش از سرمایه گذاری خود از روسیه نفت خام خارج می کنند. مورداسف خاطر نشان کرد که شرکت های غربی در ازای ۱۵۰ میلیون دلار سرمایه گذاری معادل ۶۱۰ میلیون دلار نفت خام برده اند، تنها پنج شرکت کانادایی در ازای ۹۵ میلیون دلار سرمایه گذاری ۲۸۷ میلیون دلار نفت خام برده اند.

دولت یلتسین سرمایه های

خارجی را بیمه می کند

بوریس یلتسین، رئیس جمهور روسیه، فرمانی برای ایجاد یک شرکت بیمه برای حفاظت از سرمایه های خارجی در مقابل خطرات سیاسی صادر نمود. طبق این فرمان، صد میلیون دلار برای بیمه این سرمایه ها اختصاص داده می شود. به گفته پتروف، مدیر شرکت سرمایه گذاری دولت، این مبلغ در نهایت به یک هزار میلیون دلار بالغ خواهد شد و در خارج نگهداری می شود.

ترکیه

مهمترین اتحادیه کارگری بخش کارکنان دولتی، به نام ترکیک که ۵۰۰,۰۰۰ نفر را در صنایع زغال، فولاد و دیگر صنایع نمایندگی می کند، سیاست دستمزدهای کارگری را رد کرد. ترکیک خواستار افزایش حقوق به میزان ۸۵٪ شده است. در ماه ژوئیه اعلام شد که تورم سالانه در ترکیه ۷۲٪ می باشد. خاتم چیلر، نخست وزیر ترکیه در صدد است که هزینه های بخش عمومی را کاهش دهد. او برنامه خصوصی کردن وسیع صنایع را در پیش گرفته است.

عملکرد اسفبار "سازمان تامین اجتماعی" در سال ۱۳۷۱

به مناسبت هفته دولت، بسیاری از نهادهای دولتی به دادن گزارش های پرسروصدا و گوش خراش راجع به عملکرد خود در طول سال گذشته پرداخته اند. از جمله این نهادها، سازمان تامین اجتماعی کشور است که از مهمترین وظایف آن تامین پوشش بهداشتی برای زحمتکشان بیمه شده کشور از محل حق بیمه های کسر شده از حقوق آن ها است.

از میان گزارشی که روابط عمومی این سازمان به مناسبت "هفته دولت" تحت عنوان "فعالتهای درمانی سازمان تامین اجتماعی در سال گذشته" در مطبوعات منتشر کرده است، از جمله نکات زیر جلب توجه می کنند:

- "در بخش درمان مستقیم ۱۹ بیمارستان و ۱۷۷ درمانگاه تحت پوشش در سراسر کشور با در اختیار داشتن حدود ۴۰۰۰ تخت فعال در خدمت بیمه شدگان بوده است که تعداد مراجعان به این واحدها نزدیک به ۱۳ میلیون نفر بود."

- "یکی دیگر از خدمات مورد نیاز بیمه شدگان سازمان تامین اجتماعی خدمات دندانپزشکی است که در طول سال ۱۳۷۱ تعداد واحدهای دندانپزشکی این سازمان به ۱۲۵ واحد رسید و بیش از یک میلیون و هفتصد هزار نفر از خدمات آن، شامل کشیدن دندان، پر کردن دندان، جراحی های دندان، درمان لثه و همچنین ساخت دندان مصنوعی بهره مند شدند."

- "ایجاد یکصد و هشتاد خانه بهداشت کارگری در واحدهای تولیدی و صنعتی کشور، توزیع یکصد و هشتاد میلیون ریال دارو بین خانه های بهداشت ... از دیگر خدمات معاونت درمان سازمان تامین اجتماعی ... در طول سال ۱۳۷۱ بوده است."

- "در بخش درمان غیر مستقیم نیز بیمه شدگان تحت پوشش سازمان تامین اجتماعی از خدمات بیش از ۵۹۰۰ پزشک عمومی، ۴۲۰۰ پزشک متخصص، ۱۴۵۰ دندانپزشک، ۱۰۰ داروخانه، ۳۵۰ آزمایشگاه، ۵۰۰ رادیولوژی و فیزیوتراپی در سراسر کشور که با سازمان تامین اجتماعی قرارداد همکاری داشتند بهره مند شدند که این سازمان بیش از ۲۱۵ میلیارد ریال در این زمینه در طول سال ۱۳۷۱ پرداخت نموده است."

- "خرید و توزیع ۵۰ دستگاه آمبولانس، ۲۵ دستگاه جیبی و ۱۵ دستگاه وانت بین مراکز درمانی، تجهیز دو دستگاه کاتتیر بصورت درمانگاه و واحدهای دندانپزشکی سیار از دیگر خدمات درمانی سازمان تامین اجتماعی در طول سال ۱۳۷۱ بوده است."

برای درک از ابعاد حقارت بار و اسف انگیز "خدمات" انجام شده توسط سازمان تامین اجتماعی، تنها کافی است بر این نکته تاکید کنیم که این ارقام نماینده عملکرد بیمه ای و بهداشتی سازمان تامین اجتماعی یک کشور ۶۰

میلیونی، آن هم برای مدت یک سال اند! سازمان تامین اجتماعی، برای ۶۰ میلیون جمعیت در سراسر کشور، تنها ۱۹۶ بیمارستان و درمانگاه با ۴۰۰۰ تخت بیمارستانی داشته است. در طول یکسال، بیش از ۱۳ میلیون نفر به این ۱۹۶ درمانگاه رجوع کرده اند. با توجه به این که دفاتر رجوع هر بیمار به درمانگاه ها و بیمارستان ها به ناچار بسیار بیشتر از یکبار است، می توان به ابعاد محرومیت بهداشتی زحمتکشانی که از بیمه استفاده می کنند پی برد.

بر اساس این گزارش، سازمان تامین اجتماعی در تمام طول سال ۱۳۷۱ و در سراسر کشور تنها ۱۸۰ میلیون ریال (۱۸ میلیون تومان، یا کمی بیشتر از ۱۰۰ هزار دلار) دارو در میان تمام زحمتکشان بیمه شده در سراسر کشور پخش کرده است. اگر این میزان دارو را به تعداد مراجعین اعلام شده از سوی خود سازمان تامین اجتماعی هم تقسیم کنیم، سهم داروی دریافتی هریک از آن ها برای تمامی طول سال ۱۳۷۱، از ۱۴ ریال هم کمتر می شود!

ما بقیه این گونه محاسبات را به خوانندگان "نامه مردم" وا می گذاریم و به گفتن این نکته بسنده می کنیم که این شیوه تبلیغات، برای کسانی که سابقه رژیم سرنگون شده هنوز از ذهنشان پاک نشده، بوی به شدت آشنایی دارد!

اخبار زحمتکشان

"حذف بعضی از اقلام دارویی از تعهدات بیمه ای"، و "دریافت یکهزار ریال بابت صدور دترجه درمانی کارگران"، که به گفته این کمیته، "موجی از ناراضی و اعتراض بیمه شدگان را بهمراه داشته است" اعتراض کرد. این کمیته همچنین از "وزیر محترم بهداشت، درمان و آموزش پزشکی" خواست تا با پس گرفتن "لایحه درمان همگانی از مجلس و تشکیل گروه های کارشناسی، مدلی طراحی گردد که اجرای آن موجب گسترش قعر و ناراضی مردم و بیمه شدگان نکردد."

علت اصلی کمبود و گرانی دارو در کشور

به گفته دکتر مردی، وزیر بهداشت رژیم، "تا چندی قبل دارو با ارز ۷۰ ریال وارد کشور می شد، ولی در حال حاضر، ... ارز شناور در اختیار وزارت بهداشت و درمان قرار گرفته است که این امر موجب افزایش قیمت فرآورده های دارویی در کشور شده است". وزیر بهداشت در ادامه صحبت های خود گفت: "مهمترین علتی که موجب کمبود دارو در جامعه شده است قائل شدن محدودیت در زمینه اختصاص ارز مورد نیاز به وزارت بهداشت و کارخانجات دولتی" و "تک نرخی شدن ارز" است. طبق گفته دکتر مردی، کمپانی های بین المللی دارویی "بخاطر طلبکار بودن" دولت را "تحت فشار قرار داده اند".

سرپیچی وزارت معادن و فلزات رژیم از قانون کار

رمضانی، رئیس شورای اسلامی کار استان تهران، که اخیراً در یک مصاحبه مطبوعاتی به مناسبت "هفته دولت، جهاد برای آبادانی و رفاه" شرکت داشت، از وزارت معادن و فلزات رژیم "گلایه" کرد که این وزارتخانه، در تخلف صریح از "قانون تشکیل شوراهای اسلامی کار"، از ایجاد تشکلهای کارگری در واحدهای تحت پوشش خود جلوگیری کرده است. به گفته رمضانی، "متأسفانه تنها مرکز صنعتی که کارگران آن فاقد نماینده کارگری می باشند، واحدهای تحت پوشش وزارت معادن و فلزات می باشند". وی پس از تاکید بر این نکته که "بر اساس قانونی که در سال ۶۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و شورای نگهبان هم آن را تایید کرد، ... واحدهای کارگری ... که بیش از ۳۵ نفر پرسنل دارند ... ملزم به داشتن نماینده کارگری و تشکیل شورای اسلامی کار در واحد خود می باشند"، گفت: "امید است واحدهای تحت پوشش صنایع و معادن هم از این قانون پیروی کنند."

اعتراض کمیته بیمه و درمان به سازمان تامین اجتماعی

کمیته بیمه و درمان کشور در یکی از جلسات اخیر خود نسبت به عملکرد سازمان تامین اجتماعی، از جمله "محدود کردن حمایت ها"،

بازگشت مارکس ...

سوسیالیسم در روسیه، فروپاشی ایده ها و یا مدل ها؟

نخستین آزمایش نظریه مارکس در روسیه انجام شد، اجرای انقلاب سوسیالیستی توسط بلشویک ها بلافاصله با مسئله ای غیر سنتی در مارکسیسم روبرو گردید که اولاً عبارت بود از ایجاد سوسیالیسم در یک کشور جداگانه و ثانیاً، در کشوری با نیروهای مولده نسبتاً عقب مانده. در پاسخ به این مسایل، لنین می گفت: در کتاب های مارکسیستی، جواب به این سوال که چگونه در عمل ساختمان سوسیالیستی را می توان تحقق بخشید، وجود ندارد. به نظر لنین کمونیست های روسیه می بایست این تجربه را خود در عمل به دست آورند، امروز ما می توانیم بگوییم که در واقع در روسیه آزمایش دو مدل تاریخی ساختمان سوسیالیسم، کمونیسم جنگی و نپ یا مدل استالینی و لنینی به آزمایش گذاشته شد.

نخستین مدل، به معنای ایجاد سوسیالیسم "از بالا" و از طریق شیوه سرپازخانه ای و بوروکراتیک و با بی اعتنایی به تجربه جهانی سرمایه داری بود.

مدل دوم، می خواست سوسیالیسم را "از پایین"، بر پایه دموکراسی وسیع و خود گردانی، همراه با آموزش دقیق و استفاده از بهترین دستاوردهای موجود در کشورهای سرمایه داری، بوجود بیاورد.

در واقع امر، این مدل لنینی ساختمان سوسیالیسم کاملاً با درک مارکس از سوسیالیسم، به مثابه یک نظام عمیقاً دموکراتیک، که در آنجا حاکمیت در دست خود زحمتکشان است، وفق می داد.

سوسیالیسم به نظر مارکس، جامعه پس از سرمایه داری است و به همین دلیل باید دارای بازدهی بیشتر و دموکراسی بیشتر نسبت به سرمایه داری باشد.

همه این ایده ها در مدل لنینی سوسیالیسم وجود داشتند، و در مدل استالینی که در کشور ما کمونیسم "خشین"، "سرپازخانه ای" را، با اصطلاح مارکس، با همه عواقب منفی آن پیاده کرد، وجود نداشتند.

ولی متأسفانه در تاریخ ما، نه مدل لنینی، بلکه مدل سوسیالیسم بوروکراتیک و دولتی پیروز شد. در این مدل ماهیت بشردوستانه مارکسیسم در سایه قرار گرفت، و نمی توانست میلیون ها نفر از زحمتکشان را ناراضی نکند.

کسانی که امروز سعی می کنند به این مدل بازگردند، به همه نهضت جهانی کمونیستی ضربه می زنند، و ایده سوسیالیسم را بی اعتبار می سازند.

مدل استالینی سوسیالیسم دولتی بوروکراتیک نه تنها از لحاظ نظری و سیاسی، بلکه

از نظر اقتصادی نیز با شکست مواجه شد، این مدل که بر شرایط فوق العاده زندگی پیاده می شد، توانست انقلاب علمی و فنی را، بنا به اصطلاح استالین، زین کند و زمینه شکست خود را فراهم ساخت، توانست رقابت با کشورهای سرمایه داری را از لحاظ بازدهی کار تحمل کند و در ایجاد سطح عالی تر زندگی برای مردم عقب ماند. با ایجاد امتیازاتی برای مسئولان حزبی موجب جدایی حزب از مردم شد، که نه تنها باعث شکست خود حزب، بلکه استراتژی ساختمان جامعه سوسیالیستی و دموکراتیک گردید.

نیروهای طرفدار بورژوازی در داخل کشور و در خارج از آن نمی توانستند، از این اشتباهات بهره برداری نکنند.

در نتیجه در اوت ۱۹۹۱ کودتای بورژوازی انجام شد، که نه تنها مدل سرپازخانه ای سوسیالیسم، بلکه آن عناصر سوسیالیستی واقعی را هم که در اجتماع، به دنبال پیروزی انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ بدست آمده بود، نابود ساخت.

من تحقق حقوق انسانی از قبیل حق کار، استراحت، داشتن مسکن، آموزش رایگان و تامین خدمات پزشکی و تامین پیری و از کار افتادگی را در نظر دارم. امروز می توان گفت که علت عمده این امر عدول از آموزش های واقعی سوسیالیستی بود که در آثار مارکس و لنین آمده است.

اگر در کشور ما مدل لنینی سوسیالیسم از جمله سیاست نپ پیاده می شد، اگر قبل از موقع مالکیت خرد شخصی و کنوپراسیون های مصرف نابود نمی شد، اگر سوسیالیسم خود را در مقابل دموکراسی و دموکراسی خود را در مقابل سوسیالیسم قرار نمی داد، چنین چیزی پیش نمی آمد.

ولی، نابودی مدل دولتی و بوروکراتیک سوسیالیسم به هیچوجه به معنای نابودی ایده های سوسیالیستی نیست.

... ضرورت بازگشت مارکس به روسیه، بلافاصله پس از حوادث اوت ۱۹۹۱، هنگامی که نتیجه گیری های آموزش او در هر قدم تأیید می شد، احساس گردید.

به محض روی کار آمدن پیروان دموکراسی بورژوازی در کشور ما، تصبیقات طبقاتی علیه زحمتکشان و کمونیست ها از جمله به شکل ممنوع ساختن حزب کمونیست اتحاد شوروی، افسار گسیختگی هیستری ضد کمونیستی در مطبوعات و تلویزیون، بستن تمام موسسات علمی و علمی - پداگوژیکی که در رابطه با آموزش و تدریس مارکسیسم بود، آغاز گردید.

تأیید عمده مارکسیسم را ما در اجرا، و یا بهتر بگوییم، ورشکستگی رفرم های اقتصادی که رژیم حاکم زیر چتر پرچم نتولیرالیسم و مونه تارپسم به پیش می برد، می بینیم.

به طوری که معلوم است، مارکس با تدوین تئوری پول و گردش پول، اثبات کرد که، پول به خودی خود نمی تواند موجب رونق تولید کالا بشود، بلکه فقط افزایش قیمت کالا در بازار می تواند سیستم پولی را تحکیم بخشد و موجب

کاهش تورم گردد.

رفرماتورهای ما، این درک کلاسیک اقتصاد سیاسی را نادیده گرفته اند، آنها بنا را بر تثبیت مالی و گردش مالی، بدون توجه به رشد تولید گذاشتند، و نتیجتاً نه تنها تورم را کاهش ندادند، بلکه به مرز از هم پاشیدگی سیستم مالی رسیدند.

ایده آزاد گذاشتن قیمت ها در شرایط انحصار گسترده اقتصاد ما که بر پایه شکل دولتی مالکیت استوار است و نیز روند تکنولوژی را تعیین می کند، "رفرماتورهای" ما را به چنین نتایجی رسانید.

در نتیجه ما نه تنها با غارت زحمتکشان، که به حساب آنان انباشت وحشیانه اولیه سرمایه آغاز شد، روبرو هستیم، بلکه با تقلیل تولید کالا در خود موسسات دولتی نیز روبرو هستیم.

بالاخره، خصوصی کردن مالکیت که "رفرماتورها" به آن دل بسته اند به طور نهایی اقتصاد را ویران خواهد ساخت، زیرا اولاً، بخش فعال دولتی را نابود می کند و ثانیاً، مالکیت را تغییر می دهد بدون آن که خصلت تولید را تغییر دهد.

رفرماتورهای دموکرات، اشتباه همان بلشویک های افراطی را که می خواستند، مناسبات مالکیت را از طریق سرعت بخشیدن به دسته جمعی کردن امر تولید کشاورزی، بدون ایجاد تغییرات لازم در پایه تکنولوژیک کشاورزی، تغییر دهند، انجام می دهند، ولی هم چنان که مارکس بارها گفته است، اشکال مالکیت نمی تواند بالاتر و یا پایین تر از پایه تکنولوژی خود باشد. در غیر این صورت رکود توام با تورم بوقوع می پیوندد و تولید ویران می شود، چیزی که ما هم اکنون در کشور خود با آن روبرو هستیم.

مالکیت خصوصی و هم چنین مالکیت دولتی، به نظر مارکس، اِکسیر معالاج همه بیماری ها نیست. فقط ترکیب عاقلانه آن ها می تواند مفید واقع شود، این امر چه در اقدام لنینی نپ و چه در رفرم های چین دیده می شود... برای اجتناب از فاجعه باید، به طور ساده، قبول و درک کرد که اقتصاد چند مالکیتی را که از مالکیت دولتی، کنوپراتیوی (تعاونی) و خصوصی ترکیب شده باشد باید پیش گرفت...

به جای وابستگی به غرب، چیزی که رژیم کنونی پیشنهاد می کند، باید استراتژی و تاکتیک دیگر حرکت به جلو را تنظیم کرد...

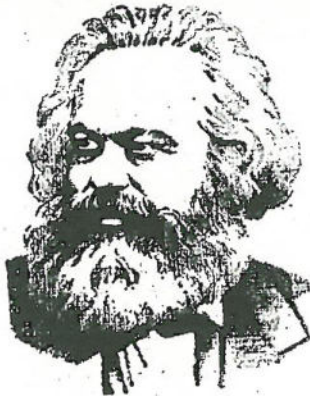
دورغای نزدیک برای روسیه، این بازتولید مدل های لیبرالی که سرمایه داری آمریکایی به ما تحویل کرده است، نیست.

این، بازگشت به عقب به مدل سوسیالیسم دولتی بوروکراتیک هم نمی تواند باشد، بلکه این حرکتی است به جلو به سوی سوسیالیسم دموکراتیک، چیزی که ضرورت و حقانیت آن را کارل مارکس در تمام آثار خلاق خود ثابت کرده است.

پروفسور بوریس اسلاوین (دکتر فلسفه)

بازگشت

مارکس



مارکس، که در استان راین آلمان در نزدیکی سرحد فرانسه چشم به جهان گشود، دو فرهنگ بزرگ فرانسوی و آلمانی را در خود جمع داشت. فرهنگ نخستین بر خصلت انقلابی آموزش مارکس و فرهنگ دوم بر جنبه فلسفی او اثر گذاشت. فرهنگ فرانسوی، سوسیالیسم مارکس را تغذیه کرد، و فلسفه آلمانی دیالکتیک او را. پمدرتر هنگامی که نظرات اقتصادی مارکس شکل یافت، او با آثار دانشمندان علم اقتصاد انگلستان آشنا شد که بدون درک همه جانبه آنها نمی توان اثر عمده مارکس، "کاپیتال" را تصور کرد. در عین حال نادرست بود اگر فکر می شد "کاپیتال" تنها یک پژوهش صرفاً اقتصادی است.

مارکس، در "کاپیتال" نه تنها نظریه ارزش اضافی را پایه گذاری کرد و مکانیسم استثمار بورژوازی را نشان داد، بلکه، قوانین تکامل سیستم سرمایه داری را در کلیت آن و ضرورت تبدیل آن را به سیستم عالی تری یعنی سیستم سوسیالیستی کشف کرد.

مارکس نیز مانند هر انسان دیگری در آثار خود از اشتباه بری نبود، می دانیم که او موعده انقلاب های اروپا را درست پیش بینی نکرده بود.

به نظر می رسد اشتباه عمده مارکس در آن است که او میزان رشد یاقتگی سیستم سرمایه داری را، به طور کلی برای اجرای انقلاب سوسیالیستی، پیش از حد ارزیابی کرد، و امکان رشد سرمایه داری را، به حساب پیشرفت های علمی و فنی و منابع بالقوه کشورهای مستعمره و وابسته درست ارزیابی نکرده بود.

مارکس برای نقش قتر مطلق پرولتاریا بیش از حد اهمیت قایل شد، و برای جان سختی بورژوازی متوسط و خرده بورژوازی ارزش لازم را قایل نشده بود. ولی این اشتباهات، اشتباهات یک شخصیت نابغه بود، که پیش بینی های مارکس را در باره محدودیت تاریخی و خصلت گذرای سیستم سرمایه داری تغییر نداد و مخدوش نساخت.

مارکس، نه تنها فیلسوف دانشمندی بود، بلکه، شخصیتی انقلابی و از آغازگران سازمان های کمونیستی، نظیر اتحادیه کمونیست ها و انترناسیونال اول بود. او در واقع نظریه پرداز نهضت کمونیستی در اروپا بود. وی در اثر خود "انتقاد بر برنامه گوتا" ویژگی های عمومی استقرار جامعه سوسیالیستی و کمونیستی را، که در آینده باید ساخته شود، بیان کرده است، و در مباحثه با لاسال کمونیست ها را از اشتباهات احتمالی در این راه بر حذر داشته است، متأسفانه کسانی که سوسیالیسم را پایه گذاری کردند، موفق نشدند از این اشتباهات بپرهیزند.

می رسد. در این رابطه، هیچگاه کمونیسم برای مارکس ایده تحقق بهشت زمینی نبوده است. برعکس، او فکر می کرد که در جامعه آزاد با کار خلاق در آینده بخش عمده وقت انسان ها صرف کارهایی می شود که از طرفی لذت بخش و از جهاتی بسیار سنگین خواهند بود، نظیر کار مجسمه ساز و یا طراح و مخترع. کمونیسم برای مارکس یک آرمان اتوبی نبود، که واقعیت باید شکل و شمایل آن را به خود بگیرد، بلکه برعکس، نتیجه مستقیم این واقعیت و قبل از همه نتیجه آن بخش از مجموعه نیروهای مولده بشری است که تولید اجتماعی را وسیما خودکار می کند و کار زنده را از زیر سلطه و نظارت سرمایه آزاد می سازد.

امروز چه کسی می تواند اثبات کند که این گرایشات در واقعیت معاصر وجود ندارد؟ کارل مارکس از لحاظ جهان بینی، بشر دوست پیگیری بود، درست همان چیزی که مخالفان یا دوستداران سطحی او نمی خواهند آن را ببینند.

برای او حل "معمای تاریخ" در آن بود که انسان ها بتدریج بیگانگی و وابستگی معامله گرانه به یکدیگر را که بازار و مالکیت خصوصی بوجود آورده است، از پیش پا بر می دارند. انسان برای مارکس، یک فرد بسته در خود، نظیر "مواند" لایب نیتس نبوده، بلکه دنیایی است که، مناسبات اجتماعی و دولتی موجود را در خود بازتولید می کند.

اگر این مناسبات انسان را به اسارت می کشانند، شایسته آنند که دگرگون شوند، ژرفای معنی و محتوای انقلابی مارکسیسم در همین است، چه کسی با چنین چیزی مخالف است؟

... پس از مدت ها برخورد سطحی از سوی و "فراموشی دموکراتیک" مارکس از سوی دیگر، با جرئت می توانیم درباره بازگشت او به زندگی معاصرمان سخن بگوییم. آنها که همچنان درباره "اتوبی" بودن و "محدودیت" مارکسیسم سخن می گویند، مارکسیسم را پایان یافته معرفی می کنند، حداقل، کوتوله های فکری به نظر می رسند زیرا نقش زنده امروزی آموزش آن را درک نکرده اند.

مارکس چه مواردی را پیش بینی و در مورد چه مسائلی اشتباه کرده است!

مخالفان مارکس، ضمن هر نوع مخالفت خوانی علیه او، این واقعیت انکار ناپذیر را نمی توانند نفی کنند که کشف درک ماتریالیستی تاریخ متعلق به اوست. درست همین درک ماتریالیستی به مارکس امکان داد که راههای پیشرفت و تکامل بشریت را، به طور روشن، پیش بینی کند.

ما، در هر گام انقلاب فنی معاصر، که انسان را از کاریدی سنگین آزاد می سازد، در روندهای جمعی شدن امر تولید، که شیوه های علمی اداره آگاهانه اقتصاد را طلب می کند، اثبات علمی ایده های مارکس را می بینیم. یکی از ایده های بنیادین فلسفی - تاریخی مارکس در باره توسعه حیطه کاربرد کار خلاق "عمومی"، که همین امروز پایه های چنان جامعه ای را که در آن "رشد آزاد هر کس شرط رشد آزاد همگان است"، پایه گذاری می کند، در برابر چشمان ما به تایید

NAMEH MARDOM

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

Address : Postfach 100644 , 10566 Berlin , Germany

NO : 410

September 14 , 1993

نامه مردم